



آثار یقین در زندگی و سرنوشت انسان / برکات یقین به وجود جهنم و بهشت

فردی که یقین دارد خدایی هست و جهنم را برای گنهکار مقرر داشته و یقینا مرتکب گناه نمی شود و شخصیت و زندگی خویش را به معصیت آلوده نمی کند...

فردی که یقین دارد خدایی هست و جهنم را برای گنهکار مقرر داشته و یقینا مرتکب گناه نمی شود و شخصیت و زندگی خویش را به معصیت آلوده نمی کند و خود را از این عذاب الیم نجات می دهد. به گزارش خبرگزاری مهر، "یقین" به تصدیق جزئی ثابت و مطابق با واقع تعریف می شود. بنابراین تصورات زیر مجموعه یقین نیست، زیرا تصورات در برابر تصدیقات است. ظن و گمان نیز زیر مجموعه یقین نیست، زیرا در گمان جزم وجود ندارد. به تقلید نیز یقین نمی گویند، زیرا ثابت نیست بلکه پیوسته متزلزل است. جهل مرکب نیز از محدوده یقین خارج است، زیرا مطابق با واقع نیست.

هر چیزی برای خود ثمرات خاصی دارد، چه اشیای مادی و چه امور غیر مادی. یقین که یکی از واقعیات خارجی است دارای ویژگی ها و آثاری است که شک و تردید، آن آثار را ندارد. مثلا اگر کسی یقین بداند به دریا رفتن همان و غرق شدن همان، حتما به دریا نمی رود و دل به دریا نمی زند، اما اگر شک و تردید داشته باشد، ممکن است به دریا برود و حتی خود را به امواج بسپارد. اگر انسان یقین بداند که در میدان مسابقه ای بازنده می شود، یقینا پای پیش نمی گذارد و در آن مسابقه شرکت نمی کند، اما اگر در این خصوص تردید داشته باشد، ممکن است بدان اقدام کند.

اگر کسی به معارف الهی یقین پیدا کند، برداشت و عملکرد وی با سایر مردم که در حال تردید هستند، متفاوت خواهد بود. مثلا اگر کسی یقین بداند که خداوند بر اعمال ظاهر و باطنش ناظر و مراقب است و یقین بداند که برای هر عملی پاداشی است، مسلما تمام کارهایش نیک خواهد بود و هرگز دست به کارهای زشت نخواهد زد. اگر می بینیم مردم دست به معصیت و گناه می زنند، برای آن است که هنوز به مقام یقین نرسیده اند و هنوز نسبت به پاداش اعمال در تردید هستند.

اگر کسی یقین بداند و مانند روز برایش روشن باشد که تمام نعمت های فردی و اجتماعی، ظاهری، باطنی، جسمانی و روحانی و از جانب مُنعم حقیقی، یعنی خدای تبارک و تعالی است و در این باره ذره ای شک و تردید نداشته باشد پیوسته در مقام انفعال و شرمندگی و تشکر و سپاسگزاری قرار خواهد گرفت.

اگر می بینیم اکثر مردم به هنگام نزول برکات و مشاهده این همه نعمت ها، شکر منعم را به جا نمی آورند از صاحب نعمت سپاسگزاری نمی کنند، برای آن است که یا اصلا توجهی به مبدا و معاد ندارند و یا آن که در وجود مبدا و این که این نعمت ها از اوست، تردید دارند.

اگر کسی یقین بداند که خداوند برای مومنان و اهل عبادت بهشتی آفریده و انواع خوشی ها و نعمت ها که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی شنیده برایش آماده کرده است، به طور مسلم در مقام امید و اشتیاق به نعمت های اخروی قرار می گیرد و برای نیل به آن نعمت ها اعمال نیک انجام می دهد و موجبات و صول به آن را فراهم می سازد.

اگر کسی یقین بداند که خدایی هست و طبقات هفت گانه جهنم را برای گنهکار مقرر داشته و هر گروهی را در طبقه ای معذب خواهد نمود، یقینا مرتکب گناه نمی شود و شخصیت و زندگی خویش را به معصیت آلوده نمی کند و خود را از این عذاب الیم نجات می دهد.

اگر کسی یقین داشته باشد که تمام امور و حوادث مستند به خدای بزرگ است و تماما از روی حکمت و مصلحت و عنایت ازلی و نظام احسن صادر می شود، به طور حتم در برابر همه حوادث سر تسلیم فرود می آورد و همه را از خداوند تلقی می کند و لباس رضا می پوشد و ندای "الهی رضا بقضائك" سر می دهد.

اگر کسی بر عظمت و جبروت خداوند یقین پیدا کند و یقین بداند که او جبار و منتقم است، حتما نسبت به او خوف و خشیت پیدا خواهد کرد. چنانچه اگر یقین نماید که خداوند عین کمال است و عین رحمت و رافت و لطف و عنایت است، یقینا پیوسته آرزومند و مشتاق لقای او خواهد بود.

اگر ما انسانها در مورد معارف الهی و اعمال و عکس العمل های خود آن چنان که بیان شد نیستیم همه به علت آن است که هنوز برای ما یقین حاصل نشده است یعنی نه میدا و نه به معاد، نه به بهشت و نه به جهنم به هیچ يك یقین حاصل نکرده ایم، بلکه در مراحل پایین تر از یقین قرار داریم اما کسانی که دارای مقام یقین هستند مانند پیامبران الهی و اولیای خدا، آنان همان گونه هستند که بیان شد. اگر انبیا و اولیا مرتکب گناه نمی شوند، بلکه دارای مقام عصمت را هستند تنها به سبب یقینشان بوده است.